

نقد و معرفی کتاب الاغراض الطبیة و المباحث العلائیة

محمدرضا شمس اردکانی

کتاب گران سنگ الاغراض الطبیة و المباحث العلائیة از جمله موارث ارزشمند و مکتوب سرزمین اسلامی ایران (سرزمین علم و ادب و فرهنگ) است. این اثر ارزشمند توسط سید اسماعیل جرجانی (۵۳۱-۴۳۰ ه. ق.) پزشک برجسته و کم نظیر ایرانی نگاشته شده است و هم سنگ دیگر آثار این نابغه دهر و دانشمند جهان علم، مانند کتاب فاخر ذخیره خوارزمشاهی که بر تارک علم جهان می درخشد، قرار می گیرد. تلاش های علمی و دلسوزانه استاد تاریخ علم جناب آقای دکتر حسن تاج بخش (که نامی آشنا برای دانش پژوهان و دوستان علم هستند) چشم امید طالبان علم را در استفاده از این کتاب روشنی بخشید. ایشان با باز نویسی، تصحیح، تحقیق و تحشیة این گنجینه عظیم پزشکی، کتاب را به زیور طبع

آراسته نمودند. جلد اول کتاب شامل ۶۸۲ صفحه از متن کتاب *الاعراض الطبیة* همراه با شرح حال و نقد آثار و نوآوری‌های این نابغه بزرگ و ۱۲۰ صفحه مقدمه به انضمام مقدمه انگلیسی، مجموعاً در ۸۲۰ صفحه، توسط انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ منتشر شد و جلد دوم که شامل ۲۰٪ مابقی متن و فرهنگ لغات و دشواری‌های آن است به زودی منتشر خواهد شد (که این فرهنگ نیز کاری بزرگ و سال‌ها بر زمین مانده را دربردارد).

بر خود لازم دیدم که این اثر مهم و بی‌نظیر را به جامعه علمی معرفی نمایم. برای این معرفی بهتر است که از مقدمه مؤلف که به حق کاری سترگ است، کمک بگیرم و مطالبی چند از آن را به شرح زیر نقل نمایم. در ابتدا زندگی و آثار سیداسماعیل جرجانی، بنیان‌گذار طب فارسی، از دیباچه بسیار غنی که توسط استاد نگارش شده را از نظر می‌گذرانیم:

پس از درگذشت ابن‌سینا، طب اسلامی که پیشینه ستارگان درخشان آن ایرانی بودند، جنبه منطقه‌ای به خود گرفت و کانون‌های ایرانی، اندلسی، مصری و مراکشی بارور شد. در مکتب پزشکی ایران، سیداسماعیل جرجانی، اختری تابناک است و با نگاشتن کتاب‌های ارزنده ذخیره خوارزمشاهی و *الاعراض الطبیة* و غیره، فارسی‌نویسی در طب را که حتی قبل از ابوعلی سینا نیز وجود داشت، بارور و شکوفا نمود. دیگر طب ایرانی، طب فارسی شد و از این جهت، آموختن پزشکی در ایران کنونی و همه پهنه‌های تمدن ایرانی و قلمرو زبان فارسی، آسان‌تر و گسترده‌تر شد و نجات جان هزاران تن از گذشتگان و

نیاکان ما، و، یا به عبارتی، وجود بسیاری از ما، مدیون این نابغه بزرگ عالم بشریت است. امیرسید، امام زین الدین ابوابراهیم اسماعیل بن حسن (یا حسین) بن محمد بن محمود بن احمد حسینی جرجانی (گرگانی) ملقب به زین الدین، شرف الدین، ابی الفضائل، معروف به سید اسماعیل جرجانی از پزشکان و دانشمندان نامدار ایران و جهان در سده های پنجم و ششم هجری است. وی در سال ۴۳۴ ه. ق. / ۱۰۴۲ م. در گرگان زاده شد و پس از ۹۷ سال زندگی پربرکت در سال ۵۳۱ ه. ق. / ۱۱۳۶ م. در مرو به جهان باقی شتافت. جرجانی، گرچه آثار ارزنده بسیاری از خود به جای گذاشت، ولی از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست.

مؤلف، در ادامه به ذکر اسامی دانشمندان برجسته ای که به معرفی سید اسماعیل جرجانی و آثار او پرداخته اند، همت می گمارد - که خود حاصل یک تتبع باارزش علمی و تاریخی است. در این زمینه، پاره ای از اختلافات و یا اشتباهاتی که در کتب آمده یادآوری شده است. ضمن این که در بحثی در صفحه سی و هفت کتاب یاد شده، این احتمال داده شده است که از نسخه ها و سنت بیمارستان جندی شاپور تا زمان جرجانی اثری باقی بوده است.

پس از شرح حال مفصلی که در دیباچه کتاب آمده، به مذهب سید اسماعیل جرجانی پرداخته شده است و با ارائه قرائن، شواهد و مدارک متقن، با صلابت و بدون تردید، مذهب او را شیعه اثنی عشری ذکر نموده که این بحث سال ها میدان جدل بین دانشمندان و مورخان بوده است. عمق کار تحقیقی مصحح در مورد کتاب الاغراض الطبیّة در میان

مراجعی که سید اسماعیل جرجانی برای نوشتن این کتاب وزین مورد استفاده قرار داده است، نیز جای تأمل دارد. مصحح به ذکر نسخه‌های الاغراض الطبیة پرداخته و ۱۹ نسخه را با مشخصات در دیباچه کتاب برشمرده است و پس از آن چگونگی شیوه تصحیح کتاب مورد بحث قرار گرفته است. واژگان اصیل فارسی الاغراض الطبیة نیز در دیباچه کتاب آورده شده است.

الاغراض الطبیة و المباحث العلائیه

سید اسماعیل جرجانی در دوران حکومت علاءالدوله آتسز خوارزمشاه، به درخواست آن پادشاه که به پیروی از پدر، حامی و ارادت‌کیش سید بود و به سفارت و وساطت وزیر او ابو محمد صاحب‌بن محمد بخاری که او نیز در زمره مشتاقان استاد بود، پیرانه‌سر، خلاصه یا کتابی دیگر را بر مبنای ذخیره خوارزمشاهی نگاشت؛ که بسیار گسترده‌تر از خفی علائی و یادگار است. وی این کتاب را به یاد علاءالدوله، الاغراض الطبیة و المباحث العلائیه نام نهاد. در دیباچه الاغراض آمده است:

بباید دانست که هر که به مجلس پادشاهی وسیلتی خواهد جست یا خدمتی و تحفه خواهد بُرد، هیچ وسیلت و خدمت و هیچ تحفه چون تحفه علمی نیست، خاصه که پادشاه چون خداوند و خداوندزاده علاءالدوله ابوالمظفر آتسزبن خوارزمشاه حسام امیرالمؤمنین - نصرالله

لواء و ادام الله علاء - باشد ... اما هر کس که خدمتی علمی بر مجلس پادشاهی عرضه کند صواب آن باشد که آن خدمت از سرمایه خویش سازد و از توبره خویش برآرد و سرمایه خادم، علم طب است. و پیش از این، مختصری خفی ساخته بودست و اکنون به حکم فرمان و دستوری مجلس عالی لازال عالیه و سفارت امام اجل مجدالدین ابومحمد صاحب بن محمد البخاری - دامت ایامه - و به حسب بحث و تفتیش آن خداوند جاوید زیاد و به حسب آرزو و درخواست امام مجدالدین، این خدمت ساخته آمد. (الاغراض، ص ۲-۱).

از این گفته و اشاره به سفارت مجدالدین چنین برمی آید که مؤلف در وقت نوشتن الاغراض در مرو بوده است، و آتسز خوارزمشاه و وزیر با تدبیر او که خفی علائی را کم حجم و ذخیره خوارزمشاهی را مبسوط می دانستند، چنان مشتاق بودند تا جرجانی کتابی دیگر بنویسد که از خفی گسترده تر و از ذخیره خلاصه تر باشد که به دستور پادشاه، خود دستور دانش پرور از خوارزم به سفارت به مرو رفت و از نویسنده که دیگر کلان پیری بود، درخواست نوشتن چنین کتاب گهرباری را نمود و آتسز خود پی گیر این مهم بود. سرانجام، کتاب الاغراض نوشته شد که حدوداً حاوی ۲۵۰۰۰۰ کلمه و تقریباً ۳۴ درصد ذخیره است، در صورتی که خفی علائی، حدود ۲ درصد و یادگار، ۳ درصد ذخیره است. الاغراض در فاصله جلوس آتسز و مرگ جرجانی (۵۳۱-۵۲۲ ه. ق.) نوشته شده و برای نگاشتن کتابی به حجم الاغراض (۸۶۰ صفحه) و به محتوای آن، می توان تصور کرد که مؤلف یکی دو سال سرگرم

کار بوده است. علی بن زید بیهقی در سال ۵۳۱، جرجانی را در کمال پیری و شکستگی در سرخس دیده و کمی پیش از آن، آتسز بر ضد سلطان سنجر شوریده بود. با قیاس همه این‌ها، شاید بتوان گفت که سید اسماعیل جرجانی در حدود ۵۲۵ - یعنی در دهه ۹۰ زندگی خود - الاغراض را نگاشته است.

الاغراض، تنها خلاصه ساده و گسترده ذخیره خوارزمشاهی نیست، بلکه کتابی نوین است که مؤلف دانشمند و بزرگوار آن پس از چندین دهه کار، در وقت کمال و پایان عمر، کتاب مادر، یعنی ذخیره را به هم ریخته، برخی از باب‌ها و مطلب‌ها را از نو درهم آمیخته، خلاصه و تکمیل کرده، گاهی سخن‌هایی دیگر آورده و برخی از مشکلات را حل کرده است. در بحث، تصرف نموده، و خلاصه طرحی نو در انداخته که چنان‌که خود گوید در هیچ کتاب دیگری به این شیوه و شیوایی موجود نیست و از خوانندگان خواسته تا آن را با سایر کتاب‌های طبّی هم طراز مقایسه کنند؛ آری این را با آنان باید سنجید، تا خود، درستی گفتار، ژرفنای پندار، زیبایی کردار، و پاکیزگی نوشتار را دریافت. همو گوید:

و هر مصنفی که کتابی ساختست در خطبه کتاب، محل و شرف کتاب خویش یاد کردست و فواید آن باز نموده و ترتیبی که دادست و تصرفی که اندر مسائل آن علم کردست، همه حکایت کردست و شرح داده. اگر خادم نیز محل این کتاب یاد کند عیب نباشد، از بهر آن‌که به حجم کوچکست و به معنی بزرگ و به صورت مختصرست و به کثرت فواید

و شرح مشکلات مبسوط. هیچ نکته و فایده علمی از این کتاب بیرون نیست و هیچ فرو گذاشته نیست، بلکه اندر مضایق و مواضع بحث، تصرف‌ها کرده آمدست و به تحقیق رسانیده و کشف تمام کرده، و بدین سبب این کتاب را الاغراض الطبیّة و المباحث العلائیة نام کرده شد. و دعوی خادم آنست که امروز در علم طب، مختصری بدین کمال موجود نیست و درستی این دعوی به مطالعه معلوم گردد و به مقایسه ظاهر شود.... (الاغراض، ص ۳-۲).

سیری در الاغراض الطبیّة

الاغراض الطبیّة دو جلد است و خود از چهار بخش یا چهار کتاب تشکیل شده که سه بخش آن مربوط به جلد اول و بخش چهارم، شامل جلد دوم این کتاب است.

بخش اول: قسمت علمی کتاب در پانزده گفتار است و اساس مطالب آن چنین است: تعریف، موضوع، منفعت طب، ارکان (زمین، آب، هوا، آتش)، انواع مزاج‌ها و مزاج معتدل. اخلاط (خون، بلغم، صفرا، سودا)، تشریح اندام‌های مختلف. فیزیولوژی: انواع قوّه‌ها؛ قوت حیوانی، نفسانی و کارهای آنها؛ تندرستی و بیماری، سبب و عرض. اساس بیماری‌های مزاجی و اندام‌های مرکب؛ تشخیص بیماری‌ها: نبض و حالت‌های مختلف آن، دم‌زدن، آزمایش ادرار، آزمایش مدفوع، عرق، خلط سینه. سبب‌شناسی کلی بیماری‌ها، حالت‌های زادن و مردن. پیش‌آگهی بیماری‌ها: تقدمة المعرفة، سیر تحول بیماری‌ها (توضیح)، بحران بیماری‌ها....

بخش دوم: الاغراض در یک گفتار که شانزده باب است به نگهداشتِ بهداشت (حفظ‌الصحه) اختصاص دارد که در آن مباحث زیر، مورد بحث قرار گرفته است: تدبیر هوا، فصل‌های مختلف سال، شهر و خانه و مسکن، انواع غذاها و نوشیدنی‌ها، خواب و بیداری، حرکت و سکون، استفراغ و دفع مضار بدن، خونگیری و حجامت، جماع، اعراض نفسانی، بهداشت پیران و مسافران.

بخش سوم: کتاب، ویژه داروشناسی و داروسازی است که در آن داروهای ساده (مفرده) و ترکیب‌های دارویی (قربادین) مورد بحث قرار گرفته است. داروهای مفرده عبارتند از داروهای غذایی، داروهای با منشاء حیوانی، و داروهای مطلق نباتی و معدنی. کتاب قربادین شامل داروهای ترکیبی اساسی زیر است: سکنگبین‌ها، سرکه‌ها، شراب میوه‌ها، داروهای لیسیدنی (لعوق‌ها)، قرص‌ها، گردهای دارویی (سَفوف)، ضمادها و داروهای مالیدنی، گوارش‌ها، انواع مختلف معجون‌ها؛ داروهای خیساندنی، جوشانده‌ها؛ داروهای مسهل، قی، غرغره؛ داروهای بینی، بوییدنی‌ها، بُخورها، داروهای عطسه‌آور، قطره‌ها، داروهای شستشودهنده (نَطول‌ها)، روغن‌ها، مرهم‌ها، داروهای دهان و حلق و حنجره، داروهای چشم، تنقیه‌ها، مسهل‌ها، شیاف‌ها و ...

بخش چهارم: یا جلد دوم که نیمی از کتاب الاغراض را تشکیل می‌دهد، مربوط به بیماری‌های سر تا پا و درمان آن‌ها است. این بخش از بیست و شش گفتار تشکیل شده که هر یک

از آن‌ها باب‌ها و مدخل‌های گوناگون و روشنگری را در برمی‌گیرد. اساس این بخش به قرار زیر است: بیماری‌های سر، مغز و اعصاب از جمله انواع آماس مغز و پرده‌های آن، بی‌خوابی‌ها، اغماء، روان‌پزشکی، روان‌پریشی، مالیخولیا، انواع دیوانگی‌ها، فراموشی، سرگیجه، کابوس، صرع، سکتۀ مغزی، بی‌حسی، رعشه، لقوه، تشنج، فلج، گزاز، پریدن اندام‌ها، خمیازه، سکسکه، انواع سردردها، درد نیمۀ سر (میگرن)؛ بیماری‌های چشم از جمله بیماری‌های پلک، ملتحمه، قرنیه، عنبیه، شب‌کوری و روزکوری، بیماری‌های عصب چشم...؛ بیماری‌های گوش و دستگاه شنوایی، بیماری‌های بینی، زکام، آبریزش از بینی، بیماری‌های زبان و دهان؛ دندانپزشکی شامل فیزیولوژی دندان، دندان‌دردها، جنبیدن و لق‌شدن دندان، چگونگی دندان‌کودکان، بهداشت دندان؛ بیماری‌های حلق و حنجره، خناق (دیفتری) و انواع تورم حلق و حنجره؛ بیماری‌های دستگاه تنفس از جمله تنگی نفس، سرفه، خون‌آمدن از سینه، تورم ریه و پرده‌های آن، تورم حجاب‌حاجز (ذات‌الصدر)، سل...؛ بیماری‌های قلب (دل) از جمله گرفتگی قلب، خفقان قلبی، غشی...؛ بیماری‌های دستگاه گوارش از جمله بیماری‌های مری، دشواری فروبردن طعام، انواع بیماری‌های معده، گرسنگی مرضی، کم‌اشتهایی، انواع سوء هضم (بدگواری‌ها)، سکسکه، استفراغ، قی خون، آماس و زخم معده...؛ بیماری‌های روده‌ای از جمله اسهال‌های حاد و مزمن، اسهال خونی، زخم روده‌ها؛

بیماری‌های مقعد، بواسیر، دمل‌های مقعدی، خارش...؛
 بیماری‌های ناشی از کرم‌های کوچک و بزرگ، انواع شکم‌دردها
 (قولنج)؛ بیماری‌های جگر از جمله بدکاری جگر، آماس جگر،
 سنگ‌های کبدی و انسداد کبدی؛ بیماری‌های طحال (سپرز)؛
 انواع زردی‌ها (یرقان)، انواع استسقا؛ بیماری‌های کلیه و مثانه
 از جمله آماس کلیه (گُرده)، ضعف کلیه، بیماری‌های عفونی
 کلیه و مجراهای ادرار، آماس مثانه، فلجی مثانه، کم‌ادراری و
 پُرادراری، سوزاک (سوزش آب‌تاختن)، سنگ‌های درشت و
 ریزگُرده و مثانه؛ بیماری‌های تناسلی مردان از آن جمله آماس
 خایه، زخم‌های خایه و قضیب، انواع فتق، ناتوانی‌های جنسی؛
 بیماری‌های زنان از جمله مدت عادت ماهیانه و افراط آن؛
 آبستنی، بازداشتن آبستنی، زایمان، بچه‌اندازی، بیماری‌های
 رحم، بیماری‌های پستان؛ انواع درد مفاصل، درد پشت،
 عرق‌النسا (تورم عصب سیاتیک)، نقرس؛ بیماری‌های
 ناخن...؛ انواع تب‌های عفونی از جمله تب نوبه (مالاریا)،
 مطبقة (تیفوئید)، تب‌های سوزان و بازگشتی، تب‌های ویایی
 (واگیر)، وبا، حصبه (سرخک)؛ انواع آماس‌ها، دمل‌ها، زخم‌ها
 و جوش‌های بدن که از آن جمله است، طاعون، دمل‌های
 سطحی، آتش پاریسی (سیاه‌زخم)، آماس‌های بلغمی، سرطان،
 جذام؛ انواع زخم‌های سطحی، سوختگی‌ها، جراحات‌ها،
 جراحات‌های ضروری، جراحات‌های ناشی از ابزارهای جنگ،
 زخم انگشتان، بیماری‌های پوست و مو؛ آراستگی و پاکیزگی
 ظاهر بدن؛ درمان لاغری و چاقی زیاد؛ زهرشناسی و انواع

زهرهای نباتی و معدنی؛ زهردادن‌ها، گزندگی حیوانات، هاری، گزش حشرات، شکسته‌بندی و جانداختن استخوان‌ها...؛ خلاصه آن‌چه که در طب زمان بوده در الاغراض خلاصه شده است.

در ابتدای الاغراض آمده است: «بباید دانستن که طب علمی است که طبیب بدان علم اندر حال‌های تن مردم و درستی و بیماری او نگاه کند تا چون بیمار گردد او را به حال تن درستی باز آرد، چندان‌که ممکن گردد» (الاغراض، ص ۵).

سید اسماعیل جرجانی، ارکان چهارگانه یا عناصر (مایه‌ها)، مزاج‌ها و خلط‌های مختلف و تأثیر آن‌ها در نگهداشت سلامت یا بروز بیماری را به بهترین وجهی توجیه می‌کند: «ارکان، چهارست، خاک و آب و هوا و آتش. و آن چهار ضد یک‌دیگرند، و اگرچه مادّات نخستین اندر همه کاینات این چهار رکن است، اندر هیچ موجودی هیچ یک را بر طبع و صورت خاصه خویش به فعل نتوان یافت» (الاغراض، ص ۸). از این چهار، همه چیز مایه می‌گیرند، آن‌چه را مایه آب بیش‌تر دارد سرد و تر، و چیزی را که در آن مایه خاکی چیره است سرد و خشک نامند. هر مایه یا رکنی را کیفیت یا طبیعتی است. طبیعت‌های چهارگانه مخالف یک‌دیگرند. گوهر هر یک از ارکان، ماهیت اصلی، یکسان و با ثبات آن است: «ماده و گوهر همه ارکان یکسان است، لکن به صورت مخالف یک‌دیگرند. هرگاه که دو ضد اندر یک‌دیگر اثر کنند و صورت یک رکن بر ماده رکنی دیگر غلبه کند، بی‌شک صورتی دیگر پدید آید. این

صورت را که پدید آید «کاین» گویند و آن صورت را که از حال خویش بگردد، فاسد گویند» (الاغراض، ص ۱۱). اگر دو طبیعت در هم بیامیزند و بر هم اثر کنند، در آن‌ها استحاله ایجاد شده و کیفیتی میانه پدید آید که آن را «مزاج» نامند. اگر از دو طبیعت که در هم آمیخته‌اند، یکی بر دیگری غلبه داشته باشد، مزاج غالب را به حساب آورند و بدین ترتیب چهار مزاج، گرم، سرد، تر، و خشک پدید آید که اینان را مزاج مفرد نامند. اگر دو سرشت که به هم آمیزند هر دو غالب باشند، و دو دیگر هر دو مغلوب، چهار مزاج مرکب مانند ماهیت مایه‌ها: گرم و خشک، گرم و تر، سرد و خشک، و سرد و تر پدید آید، اگر در بعضی مزاج‌ها، هر چهار صورت به هم آمیزند و برابر آیند، مزاج معتدل پدیدار گردد. پس نه مزاج: چهار مفرد، چهار مرکب، یکی معتدل، قابل تصور است. اما مزاج معتدل واقعی در جهان زیست موجود نیست. نزد طبیبان، اعتدال آن است که هر یک از اندام‌ها به حدی که لازم است گرمی، سردی، تری، خشکی داشته باشد «و مزاجی که او را شاید پدید آمده». این تعریف سلامتِ اعضاء و اندام‌هاست، یعنی آن‌چه که به تعبیر امروزی ترکیب طبیعی اعضای بدن است، در بدن فرد وجود دارد، همان چیزی که به آن میزان می‌گوییم. به تعبیر جرجانی هر یک از اندام‌ها تعادل خاصی دارد و اگر تعادل آن تغییر یابد، بیماری پدید آید:

هرگاه که چنان باشد که باید و چندان که باید و آن وقت که باید، سبب

تندرستی باشد، و هرگاه که برخلاف آن باشد که باید و نه در آن وقت باشد که باید، احوال تن مردم بگرداند و سبب بیماری گردد... و مزاج هر اندامی را اندر هر شخصی حدی است که اگر بدان حد باشد آن شخص معتدل باشد و اگر از آن بگردد، اعتدال آن شخص باطل گردد. (الاغراض، ص ۱۳-۶). خلط رطوبتی است که در تن مردم روان است و جایگاه آن رگ‌ها و اندام‌های میان‌تهی است چون معده و جگر و طحال و کیسه صفرا. خلط‌ها چهارگونه است، خون، بلغم، صفرا، سودا. خون گرم است و تر. بلغم دوگونه است، طبیعی و ناطبیعی. طبیعی غذایی است خام که معده آن را بگوارد و در آخر به خون تبدیل شود و طبع آن سرد است و سرانجام در تمام بدن پراکنده می‌شود. بلغم ناطبیعی چهار نوع است و موجب بروز عوارض مختلفی از جمله درد مفاصل می‌گردد. صفرا خلطی است گرم‌تر و سبک‌تر از خون و معدن آن جگر است و با خون درآمیزد و به دوگونه طبیعی و ناطبیعی تقسیم می‌شود. اگر ترشح صفرا کاهش یا افزایش یابد، حالت ناطبیعی حاصل آید. سودا که در خون است در جگر پایگاه داشته و دو حالت طبیعی و ناطبیعی دارد. سودا، سرد و خشک است و رنگش سیاه و طبع خاک دارد. سودا نیز اگر فزونی یا کاستی گیرد به حالت ناطبیعی درآید. (الاغراض، ص ۲۱-۵).

مزاج‌های مختلف به تعبیر امروزی، حالت ایمنی بدن و ترشحات غدد داخلی است که با توجه به دستگاه پذیرش بافتی (MHC)^۱ و پادگن‌های پاسخ ایمنی^۲ در هر یک از موجودات، متفاوت است.

در این جا، ابتدا مختصری از گفته‌های چرجانی را در مورد بیماری‌های عفونی و واگیردار، ذکر می‌کنیم. وی از بیماری‌های وبایی (واگیردار) یاد کرده و گروهی بیماری‌ها از جمله آبله، وبا،

سل، برص، جذام، و چشم‌درد را مُسری دانسته و انتقال آن‌ها را از راه هوا، آب آلوده، مجاورت بیماران می‌داند. هوای ویایی، هوایی است آکنده از عوامل بیماری‌زا. هوا به واسطه آمیخته‌شدن با چیزی از گیاهان یا زمین بد و مردابی یا آب عفین و هم‌چنین بخارات بد که در برخی از زمین‌ها و برکه‌ها و بیشه‌زارها برخیزد، آلوده و اصطلاحاً ویایی می‌گردد. عفونت هوا سرانجام سبب عفونت خون یا مایعات بدن می‌شود. آب زیان‌آور نیز به واسطه آلوده‌شدن به هوا و زمین آلوده، عفونت می‌یابد و سبب عفونت بدن می‌شود. آب را اگر پیش از آن‌که گندیده شود، حرارت دهند یا با گذراندن از خاک، بپالایند دیرتر آلوده گشته و زیان آن گرفته می‌شود؛ در این‌جا استریل کردن (سترونی) به وسیله حرارت و پالا مطرح است.

و بعضی بیماری‌ها است که از یکدیگر گیرند، خاصه اندر جای‌های تنگ، چون درد چشم و آبله و تب و وبا و سل و برص و جذام. (لاغراض، ص ۷۷)؛ و آب‌های بد را به صلاح توان آورد، به تدبیرهای بسیار. و آسان‌تر و بهتر آن است که آب را با خاک پاکیزه بیامیزند. خاصه خاک شهر خویش و بجنابند و بنشانند. کمترین تدبیری آن است که بپزند و بنشانند. (لاغراض، ص ۲۱۳).

جرجانی در مورد تب‌های ویایی گوید: «معنی وبا تغییر هواست و بدگشتن آن، چنان‌که آب اندر آبدان دیر بماند طبیعت او بگردد یا قوّت نباتی بد با او بیامیزد یا بر زمینی بد

بگذرد، متغیر شود. هوا نیز به سبب آن که اندر میان درختان و مفاک‌ها دیر بماند یا به سبب بخار دخانه‌ی که با وی بیامیزد و حرکت بادهای خوش بدو نرسد و او را نجنباند، طبیعت او بگردد و عفونت پذیرد». (الاغراض، ص ۸۰۲).

جرجانی آبله و سرخک را به خوبی از هم تفکیک می‌کند. وی در مورد تولید این دو بیماری همان نظریه تخمیری رازی^۳ را با شرح و بسط و صراحت زیاده‌تری یادآور می‌شود و گوید این بیماریها از جوشیدن خون بروز می‌کنند، جوشیدنی هم چون شیره انگور.

آبله و حصبه هر دو از یک جنس آید و سبب هر دو جوشیدن خونت... و جوشیدن خون اندر تن مردم، گاهی طبیعی باشد و گاهی ناطبیعی و عارضی. اما آن چه طبیعی باشد، جوشیدن خون کودکان باشد، از بهر آن که خون کودکان خامست هم چون شیره انگور، پس هم چنان که شیر خام به طبع اندر خم بجوشد و کفک و دردی از وی جدا شود و شیر پخته جدا، خون کودک را چاره نیست که در تن او بجوشد و خامی بگذارد و قوامی دیگر گیرد. (الاغراض، ص ۸۰۶).

جرجانی در مورد جذام گوید: «و تباهی هوا و مجاورت مجذومان از جمله اسباب این علت است». (الاغراض، ص ۸۲۴). وی با توجیه خوبی از آتش پارسی (نار فارسی) که همان «سیاه‌زخم» است یاد می‌کند و علت را تیزی خون (عفونت) می‌داند: «و آتش پارسی بثره باشد پر آب رقیق با خارش و سوزش صعب و سبب، تیزی خون بود». (الاغراض،

ص ۸۱۶). جرجانی سوزاک را با عنوان سوزش آب تاختن (حرقة البول) ذکر کرده و جَرَب و زخم مثانه و مجرای ادرار و نزدیکی بسیار را از سبب‌های آن می‌داند: «سوزش آب تاختن، اسباب سوزانیدن بول، جرب و بثره مثانه است یا برهنه شدن مثانه و مجاری از رطوبت مخاطی به سبب بسیاری جماع و خوردن چیزهای تیز یا سوء المزاج گرم». (الاغراض، ص ۷۴۶).

بیماری‌های مشترک انسان و حیوانات

جرجانی در ذکر وبا و تب و یایی (بیماری‌های واگیر) به همه‌گیری‌های گسترده آن و سرایت به حیوانات یا به عبارتی به بیماری‌های مشترک بین انسان و دام، اشاره می‌کند. هم‌چنین در مورد برخی واگیری‌ها به جنب و جوش حیوانات زیرزمینی از قبیل موش، اشاره دارد که همان طاعون جوندگان و مسائل مربوط به شرایط زیست‌محیطی (اکولوژی) یا به عبارتی طاعون خاکی است که در برخی از نواحی طاعون‌خیز از خاک برمی‌خیزد و به خاک باز می‌گردد. موضوعی که قرن‌ها بعد یعنی حدود چهل سال پیش با تحقیقات پژوهندگان انستیتو پاستور ایران به اثبات رسیده است.^۴ البته همین موضوع در قانون ابن‌سینا آمده و آن را سه قرن بعد، بهاء‌الدوله رازی (ف حدود ۹۱۵ هـ. ق.) نیز ذکر کرده است (قانون، کتاب ۴، ص ۱۹۰؛ خلاصة التجارب، نسخه خطی دانشگاه تهران، صفحه ۱۰۶). جرجانی گوید: «و هرگاه که هوا متغیر شود بیماری و مرگ جانوران پدید آید، آن مرگ و بیماری را ویا گویند. و

حیوانات که حس ایشان لطیف تر است از ولایتی که وبا در هوای آن پدید آید بگریزند... و هرگاه که بینند که حشرات و جانوران که از عفونت تولد کنند بسیار می شود و یا ببینند که لَقْلَق (لکلک) بیش از آن که عادت او باشد غایب شود، بیاید دانست که بخارهای بد از زمین با هوا آمیخته گشت و وبا آمد.» (الاغراض، ص ۸۰۲، ۸۰۴).

ازدیاد حساسیت

جرجانی بوی مشک، جندبیدستر، روغن های مالیدنی و خوردن برخی از میوه ها را یکی از سبب های زکام و ریزش بینی (نزله) می داند. وی بعضی از طعام ها، بوی داروها و آشامیدنی های گرم و غیره را نیز به عنوان سبب هایی برای بروز سرفه، خفقان و تنگی نفس، ذکر می کند. به تعبیر امروزی چنین حالت هایی، همانا ازدیاد حساسیت: (آلرژی)^۵ از نوع «تب یونجه ای یا زکام فصلی» و آلرژی های دارویی و غذایی است: «اسباب زکام، دو نوع است، اندرونی و بیرونی... سبب بیرونی هم دو نوع است... و هوای خانه گرم که هوای بیرونی اندروی گذر نیابد و بوی مشک و جندبیدستر و مانند آن همین کند... و میوه های تر بسیار خوردن اندر زمستان خاصه خربزه، زکام را تازه کند. و روغن بسیار به کار داشتن و مالیدن اندر زمستان و تابستان زکام آرد ۵۶۰؛ و اسباب سرفه، سوء المزاج است... و رسیدن چیزی نا طبیعی به آلتها دم زدن چون دودی و غباری و طعامی ترش یا تیز ۵۶۹... اما سبب خفقان گرم، سوء المزاج

گرم باشد و اسباب آن اعراض نفسانی بود، چون خشم و اندیشه کاری مهم، یا ضیق النفس که منفذ نسیم هوا که به دل رسد گرفته دارد و طعام‌ها و شراب‌های گرم یا بوی داروهای گرم». (الاعراض، ص ۶۲۰-۶۱۹).

دامپزشکی

جرجانی گاهی به درمان حیوانات نیز اشاره دارد، چنان‌که در مورد مشمشه اسب^۶ (خنام) با استفاده از اندام‌های روباه (ثعلب)، و زهراگینی خرزهره (دفلی) گوید: «ثعلب... او را زنده اندر آب بپزند تا مُهراً شود آن آب اندر حلق اسب ریزند خنام زایل شود... دفلی، بسیار او مردم را و ستور را بکشد». (الاعراض، ص ۲۸۰، ۸۴۷).

جرجانی در بحث ایجاد دندان که گروهی بر آن بودند که در آفرینش، در سرشت، نهاده نشده، این نظریه را رد کرده و آن را ارثی دانسته و گوشه‌ای از دانش ژنتیک را بیان می‌کند: «و خلافی دیگر است اندر آن که ماده دندان در اصل آفرینش از تخم مادر و پدرست، و گروهی دیگر گفته‌اند که از غذا می‌روید... و درست آن است که ماده دندان در اصل آفرینش از تخم مادر و پدر است و اندر استخوان فک که دندان از وی بر نیامده است، آماده نهاد است...». (الاعراض، ص ۵۷۷-۵۷۸).

سرطان

جرجانی از سرطان، دشواری علاج و پرهیز از تحریک آن به خوبی سخن گفته و مؤثر بودن نسبی درمان در آغاز بروز بیماری که همانا به تعبیر امروز شیمی درمانی است را یادآور شده و رعایت حال بدن بیمار را توصیه می‌کند:

و زنان را اندر پستان و رحم بسیار افتد، و مردان را اندر حوالی حلق و خایه و قضیب بسیار افتد، اندر روده نیز بسیار افتد. و سرطان اندر ابتدا دشوار توان دانست و چون ظاهر گردد، علاج دشوار پذیرد. علاج، تدبیر صواب آن است اندر علاج سرطان که نگاه‌دارند تا آن‌چه پدید آمده باشد، هم‌چنان بماند و زیادت نشود و ریش نگردد... و داروهای معدنی مغسول که تحلیل آن به اعتدال باشد و سوزاننده نباشد، طلی کردن سود دارد، ممکن است که ماده به جملگی تحلیل کند به رفق، خاصه اگر زود اندر یابند و علاج از این نوع کنند، و کمترین آن بود که هم بر آن بماند و زیاد نشود و ریش نگردد... و سرطان اندر یک عضو بود و مزاج آن عضو، مخالف دیگر اعضا بود. و اندر علاج آن مراعاة مزاج احشا باید کرد و از قوت‌ها و مزاج ماء، دیگر اعضا غافل نشاید بود. (الاغراض، ص ۸۲۳-۸۲۲؛ ۸۲۵).

زیان دارودادن بسیار

جرجانی دارودادن بسیار را بیماری‌زا دانسته و گاهی دارو ندادن را بهترین درمان داند: «و بیاید دانست که بهترین مراعاتی معده را آن است که او را از طعام فزونی و گران‌باری آسوده دارند. و بسیار وقت بود که دارو از بیمار بازداشتن و علاج

ناکردن بهترین علاجی بود، و باشد که سبب درازی بیماری، علاج کردن و دارو دادن بود». (الاغراض، ص ۶۵۳-۶۵۲).
در پایان دکتر تاج‌بخش می‌نویسد: «در مورد الاغراض الطبّیّة باز هم بسیار بتوان گفت، اما بهتر است سخن کوتاه کرد و این کتاب گوهر بار را به خواننده دُرّیاب سپرد. در پایان آن چه می‌توانم گفت این است: روزگاری دراز باید و صبری بسیار تا باز قرن‌ها سپری گردد و مام ایران از نو دردانه فرزندی هم چون سید اسماعیل جرجانی بزاید، آن‌گاه مگر خامه او کتابی چون ذخیره خوارزمشاهی یا الاغراض الطبّیّة بنگارد».

اینجانب نیز آن چه می‌توانم گفت آن است که سال‌ها باید بگذرد تا چنین کتابی با چنین رنج توان‌فرسا و ژرف‌نگری تصحیح و عرضه شود، امید است استاد تاج‌بخش هر چه زودتر فرهنگ الاغراض الطبّیّة را که در طی سال‌ها تهیه کرده همراه با بقیه متن الاغراض به چاپ برسانند که خود خدمت بزرگی به دانش و ادب ایران است و در درک مطالب سید اسماعیل جرجانی و اصولاً طب کهن ایران و اسلام بسیار ره‌گشا و بااهمیت خواهد بود.*

* خوشبختانه جلد دوم این کتاب به ضمیمه فرهنگ اغراض طبّی در اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۸۵ به وسیله همان ناشرین منتشر شد: ۱۸۰ صفحه متن الاغراض + ۹۵ صفحه فهرست الفبایی + ۳۹۶ صفحه فرهنگ اغراض طبّی تألیف دکتر حسن تاج‌بخش + ۱۴ صفحه انگلیسی.

پی نوشت ها:

1. Major histosompatibility complex

2. Immune response antigens

۳. برای بررسی این دو اصطلاح و موضوع، به کتاب ایمنی شناسی بنیادی، چاپ ششم، تألیف حسن تاج بخش مراجعه فرمایید.

۴. رازی در کتاب الجدري و الحصبة نوعی مخمر را سبب بروز آبله می داند که در بدن تمام افراد وجود دارد و از مادر به جنین انتقال می یابد. این مخمر وارد جریان خون شده، آن را تخمیر کرده و بر اثر این کنش و واکنش، آبله بروز می کند. اساس این نظریه شبیه نظریه تخمیری یعنی فرضیه ای است که حدود هزار سال بعد توسط لویی پاستور ابراز شد و او را به کشف علت میکربی بیماری ها رهنمون گردید. (الجدري و الحصبة ۴؛ تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، ج ۲، ۵۹۳-۵۹۱، حسن تاج بخش).

۵. برای بررسی طاعون خاکی به صفحه ۲۲۴ کتاب بیماری شناسی عمومی تألیف حسن تاج بخش مراجعه فرمایند.

6. Hypersensitivity: Allergy

7. Glanders